

-----((شایعه اعطای کاپیتولاسیون به مستشاران آمریکا))-----

بهبانه ای برای مخالفت باپادشاه فقید

روح الله خمینی در روز چهارم آبانماه سال ۱۳۴۳ خورشیدی سالروز تولد محمدرضاشاه پهلوی؛ که تصادفاً آن سال مصادف بود با بیستم جمادی الثانی ۱۳۸۴؛ یعنی بامیلاد فاطمه زهرا مطهره سابقه داشت؛ سخنرانی مغرضانه خود را در قم در مورد قانونی که وی به غلط آنرا کاپیتولاسیون نام نهاده بود؛ ایراد کرد.

«لازم به یادآوریست که در آن زمان هنوز روح الله خمینی این ادعا را نکرده بود که روز بیستم جمادی الثانی سالروز تولد خود من نیز میباشد».

از زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی در ایران مستقر شده است؛ همه ساله با فرارسیدن ماه آبان «سالروز سخنرانی وی که روز سیزدهم با سالروز زداشت و تبعید او به ترکیه؛ بعثت همان سخنرانی نیز مصادف میباشد» رسانه های گروهی رژیم ملایان یکباردیگر راجع به این قانون با همان عنوان کذب و خلاف واقع سخن میاورند و از آن با هوچیگری و هیاهو (بنام یکی از خیانت های بزرگ محمدرضاشاه پهلوی نام میبرند).

باتوجه باین مراتب و بیاناتی از سوی مدعیان روشنفکری که کاملاً خلاف واقع و مطالبی پراز سفسطه و مغالطه؛ نظر روح الله خمینی رامبنی بر اینکه رژیم سابق بموجب قانون مصوب مزبور؛ مصونیت ها و مزایای مربوط به کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا داده شده بود؛ این نویسنده را بر آن داشت که مطلبی برای آگاهی عموم وبویژه جوانان کشورم تهیه و واقعیتهای مربوط به این امر را به آگاهی برسانم.

تاریخچه کلی از آغاز روابط سیاسی و نظامی ایران با آمریکا

اولین پیمان برای برقراری روابط سیاسی بین ایران و آمریکابه نام پیمان دوستی و تجاری در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ (۲۲ آذر ۱۲۳۵) در قسطنطنیه؛ بین فرخ خان غفاری؛ ملقب به امین الملک ایلچی سفیر کبیر ایران در فرانسه و کارول مسپتس؛ وزیر مختار آمریکای شمالی در دربار عثمانی منعقد گردیده است.

بموجب ماده دوم این پیمان دولت آمریکا از حقوق مربوط به کشورهای کامله الوداد برخوردار شده که منظور از این اصطلاح همان مقررات «کاپیتولاسیون» بوده است.

باینکه این پیمان در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۸۵۷ (۲۸ بهمن ماه ۱۲۳۵) به توشیح ناصرالدین شاه رسیده و از نظر ایران لازم الاجرا گردیده بود؛ ولی دولت آمریکا تا نزدیک به ۲۶ سال بعد در مورد برقراری روابط با ایران اقدامی بعمل نیاورده است.

در تاریخ ۵ اوت ۱۸۸۲ (۱۴ مرداد ۱۲۶۱) کنگره آمریکا قانون تاسیس سفارت در تهران رابه تصویب رسانید و چند ماه بعد در ژانویه سال ۱۸۸۳ (دی ماه ۱۲۶۱) نخستین سفیر آمریکادر ایران تعیین و به تهران اعزام گردید.

اولین وزیر مختار ایران در آمریکاتیز حسینقلی خان صدرالسلطنه؛ پسر چهارم میرزا آقاخان نوری؛ بوده که در ژوئن سال ۱۸۸۸ (تیرماه ۱۲۶۷) به این سمت منصوب و بآنکشور روانه شده است.

چون این شخص در سال قبل از این انتصاب به حج رفته بود؛ در زمان عزیمت به محل ماموریت خود؛ از طرف ناصرالدین شاه به لقب (حاجی واشنگتن) ملقب گردیده است. ظاهراً ورود وی به واشنگتن با اولین عید قربان بعد از حاجی شدن مصادف بوده؛ که بعنوان اولین اقدام خود در آمریکا؛ با اجرای مراسم قربانی گوسفند در محل سفارتخانه دست زده است.

از آن تاریخ تا زمانیکه سلطنت به خاندان پهلوی منتقل گردیده است؛ به دوفقره ماجرای جنجال برانگیز در مورد استخدام دوهینت مستشاری از آمریکا برمیخوریم؛ که اولی به ریاست مورگان شوستر ۱۹۱۱ میلادی (۱۲۹۰ شمسی) و دومی به ریاست آرتور میلیسپود ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۱ شمسی) بوده است.

هرچندکه استخدام هینت دوم بعد از کودتای ۱۲۹۹ انجام شده؛ و تا نزدیک دوسال بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه ادامه داشته است؛ ولی در طول سلطنت این پادشاه هیچ مستشار آمریکائی برای ایران استخدام نشده است.

در زمان سلطنت محمدرضاشاه اولین مستشاران آمریکائی که بایران دعوت شدند هیئتی بریاست همان آرتور میلیسپو بود. لایحه استخدام این شخص در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ (۲۱ آبان ۱۳۲۱) در مجلس

شورایملى به تصویب رسید. ولى بعد از دوسال بعثت اختلافاتی که بادیولت ایران پیدا کرده بود؛ مستعفی گردید و استعفايش در تاریخ فوریه ۱۹۴۵ (۱۹ بهمن ۱۳۲۳) از طرف مجلس شورایملى مورد قبول قرار گرفت. ترتیب استخدام آرتور میلیسیو و هیئت مستشاران زیر نظر او هر دو بار (چه در دوران احمدشاه قاجار و چه در زمان محمدرضا شاه پهلوی) هنگامی داده شده که میرزا احمد قوام؛ قوام السلطنه بعنوان نخست وزیر خدمت میکرده است.

حسن ارسنجانی در یادداشت‌های سیاسی خود در این رابطه چنین نوشته است: «قوام السلطنه عقیده داشت که آمریکا هیچگونه خطر استعماری برای ایران ندارد؛ زیرا میان ایران و آمریکا اقیانوس ها فاصله است. در حالیکه انگلیس و روسیه برای بلعیدن ما دهان باز کرده اند؛ امکان ندارد که دولت ثالثی از جمله آمریکا بتواند ایران را تحت سلطه خود درآورد.»

در دوره دوم زمامداری خود بعد از شهریور ۱۳۲۰؛ در سال ۱۳۲۱ از نوبه فکر جلب سیاست آمریکا افتاد؛ و موافقت کرد در دوره اشغال نظامی ایران از طرف شوروی و انگلیس؛ ارتش آمریکا به ایران بیاید.

او در دوره چهارم زمامداری خود در سال ۱۳۲۴ همین سیاست را تعقیب کرد و برای تحقق برنامه هفت ساله؛ از کارشناسان آمریکائی دعوت نمود؛ و سعی داشت که با استقراض از بانک بین المللی؛ برنامه هفت ساله خود را بمرحله اجرا عمل درآورد؛ ولى عمردولت او کفاف نداد. (زندگی سیاسی قوام السلطنه؛ تالیف جعفر مهدی نیا).

یکبار دیگر قوام السلطنه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ (۶ بهمن ۱۳۲۴) به نخست وزیری انتخاب گردید. او در این دوره از صادرات خود؛ که ایادی روسیه آذربایجان را بصورت خود مختار درآورده بودند؛ موجبات تخلیه ایران را از نیروهای بیگانه و بازگرداندن آذربایجان را بایران فراهم ساخت.

در ۲۶ مهرماه ۱۳۲۶ گفتگوهای قوام السلطنه به نتیجه رسید و دولت با انعقاد پیمان محرمانه نظامی با آمریکا؛ به مستشاران نظامی آن کشور حق انحصاری دخالت در ارتش ایران را داد. رادیو لندن خبر انعقاد قرارداد محرمانه نظامی ایران و آمریکا را منتشر کرد؛ سفارت شوروی دست به اعتراض زد؛ دولت قوام تکذیب کرد؛ اما انگلیسیها از آر شیو ثبت قراردادهای سازمان ملل؛ قرارداد را به صفحات روزنامه ها کشاندند. چنین بود که شرایط برای سقوط دولت قوام آماده شد.

در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهرماه ۱۳۲۶) بدستور قوام السلطنه نخست وزیر وقت؛ بین محمود جم که وزارت جنگ را بعهده داشته؛ بنمایندگی از طرف دولت ایران و ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا قرار دادی به امضاء رسیده است. (این قرارداد در صفحات ۶۴ تا ۷۰ جلد دوم کتاب اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول؛ منتشره توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ تحت عنوان سند شماره ۲۰ درج شده است).

«ماده ۲۴- تامدتی که این قرارداد؛ یا تمدید آن معتبر است؛ دولت ایران هیچگونه مامورین خارجی دیگر را برای انجام هیچگونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود. مگر با توافق نظر مشترک مابین دولتین کشورهای آمریکا و ایران.»

«بموجب ماده ۱۱ قرارداد؛ اعضای هیئت مستشاران نظامی در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت در ارتش ایران معاف گردند در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت بآمریکا را خواهند داشت.»

بموجب سند مندرج در صفحه ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت امور خارجه، آمریکا مربوط به سال ۱۹۴۷ میلادی؛ در همان روزی که قرارداد اعزام افسران و سربازان جدید آمریکائی بین ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا در ایران؛ و محمود جم وزیر جنگ ایران به امضاء رسیده است؛ این دو نفر قرارداد استخدام مستشاران سابق را نیز در همان تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهرماه ۱۳۲۶) با مفاد جدید تمدید کرده اند.

بطوریکه ملاحظه میشود؛ قبل از آنکه محمدرضا شاه پهلوی در حکم وزنه سنگین؛ در ترازوی سیاست ایران جلوه گر شود؛ در زمان نخست وزیری قوام السلطنه که بیش از هر نخست وزیر دیگری نسبت به شاه بی اعتنائی میکرده است؛ پای مستشاران آمریکائی به ایران باز شده؛ و آنان از بعضی مصونیت و مزایا که معمول بین کشور های کمک دهنده و کمک گیرنده است برخوردار شده بودند.

بموجب همان سند مندرج در صفحه ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا و نیز بموجب مواد ۲ و ۳ قرارداد مورد بحث؛ قرار بود که این قرارداد تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ میلادی (۲۹ اسفندماه ۱۳۲۷) به قوه خود باقی باشد؛ و دولت ایران در صورت تمایل به تمدید آن میبایست پیشنهاد خود را کتباً قبل از

تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ میلادی (۳۰ شهریور ۱۳۲۷) به دولت آمریکاتسلیم نماید و دولت آمریکا نیز موظف بود که قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷) اقدام نماید.

اعلام تمایل ایران به تمدید قرارداد قبل از تاریخ (۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۷) در زمان نخست وزیری عبدالحسین هژیر و توسط سپهدامیراحمدی انجام شده است. عبدالحسین هژیر از نظر دولت انگلستان؛ یکی از بد سابقه ترین افراد بود؛ زیرا که وی در کابینه قوام السلطنه (همان کابینه ای که قرارداد استخدام مستشاران آمریکائی را منعقد ساخت) وزارت دارائی را بعهده داشت. از سوی دیگر عبدالحسین هژیر راجع باستیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب در صدد اجرای تنظیم لایحه ای مشتمل بر ۲۵ مورد از تخلفات اساسی و غیر قابل انکار شرکت نفت ایران و انگلیس از مفاد قرارداد ۱۹۳۳ را؛ از آن شرکت درخواست کرده بود؛ که نمایندگان خود را برای مذاکره در مورد تخلفات در اجرای قانون مصوبه به ایران اعزام دارد.

با این ترتیب چون مسلم بود که وی در این دوره از نخست وزیری؛ با پشتیبانی شاه به اقدامات سابق خود در جهت طرفداری از آمریکا و مخالفت با انگلیس ادامه خواهد داد؛ و از جمله استیفای حقوق تضییع شده ملت ایران از نفت جنوب را تعقیب خواهد کرد؛ همچنین تمایل دولت ایران به تمدید استفاده از مستشاران آمریکائی را اعلام خواهد کرد؛ بنابراین جای هیچگونه تعجب نیست؛ از همان روزی که مجلس شورایی به وی ابراز تمایل نمود؛ انگلواسلامیست ها و سایر انگلوفیلها تمام ایادی خود را در تمام جبهه ها بر علیه او بسیج کنند.

ساعت ۱۱ صبح روزی که عبدالحسین هژیر در کاخ منتظر فرمان صدارت بود؛ جمع کثیری از طبقات مردم و مخصوصاً دانشجویان دانشکده حقوق و فنی؛ (حمایت و تحریک شده توسط ایادی انگلوفیل ها) با صفوف منظم در میدان بهارستان جمع شدند و ضمن ملاقات با نمایندگان؛ اعتراض خود را نسبت به تمایل مجلس به نخست وزیری هژیر بیان نمودند. کسبه و اصناف با صلاحدید و راهنمایی آیت الله کاشانی (فردی که همیشه هیزم بیار معرکه انگلیس بوده) مغازه های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند؛ و ضمن ایراد سخن تمایندگان مجلس رابه باد ناسزا گرفتند... بدستور دولت و رئیس مجلس؛ پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد. تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهر کننده نیز با چوب و چماق به پلیس حمله کردند.

روز چهارم نخست وزیری هژیر؛ چند هزار بازاری و روحانی در حالیکه قرآن بر سر داشتند؛ به رهبری سید مجتبی نواب صفوی؛ رئیس فدائیان اسلام؛ (گروهی که از انگلیس دستور میگرفت) در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و اعلامیه شدیدالحن آیت الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم تهران پخش شد.

هنگامیکه هژیر وزیران خود را به مجلس شورایی معرفی میکرد؛ درلژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود و صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی دین در فضای تالار علنی مجلس طنین انداز گردید. در همین جلسه حسین مکی؛ ابوالحسن حائری زاده؛ عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زد و خوردهای چند روز گذشته علیه او اعلام جرم کردند. (نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار- دکتر باقرعقلی؛ صفحه ۲۴۸/۵)

عبدالحسین هژیر در مقابل جوی که مخالفین برای او درست کرده بودند؛ با وجود اکثریت آرا؛ پس از پنج ماه در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۸ (۵ آبان ماه ۱۳۲۷) از کارکناره گیری کرد.

موعد بعدی برای درخواست تمدید قرارداد مورد بحث قبل از شهریور ۱۳۳۱ و زمان مقرر برای امضای تمدید آن ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۳۱ (۲۰ ماه مارس ۱۹۵۳) بود که این هر دو اقدام را نخست وزیر وقت؛ یعنی دکتر محمد مصدق بدون سر و صدا با انجام رسانده است.

شرح کوتاهی در ارتباط با مطلب مورد بحث

همانطوریکه دیدیم؛ دولت آمریکا پس از آنکه به تبعیت دولتهای روس و انگلیس در اشغال ایران شرکت نمود (در اواخر جنگ جهانی دوم) چند فقره؛ قرارداد دو جانبه و محرمانه با دولت ایران منعقد ساخت. بموجب این قراردادها که آخرین آن در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه ۱۳۲۶) در کابینه قوام السلطنه توسط وزیر جنگ این کابینه و سفیر کبیر آمریکا با مضار سید؛ به مستشاران و کارکنان هیئتهای نظامی آمریکا در ایران بعضی مصونیتها و امتیازات داده شد.

دولتهائیکه عاقد قراردادهای محرمانه در مورد همکاری نظامی با آمریکا بوده اند استتار آنها را به صلاح دولت و ملت دانسته و به استناد قسمت آخر اصل ۲۴ قانون اساسی مشروطیت (ذیلاً" برای اطلاع این قانون درج میگردد) از انتشار آنها و درخواست طرح و تصویبشان در مجلس شورایی خود داری کرده بودند:

«اصل ۲۴- قانون اساسی مشروطیت- بستن عهدنامه هاومقاوله نامه ها؛ اعطای امتیازات (انحصار) تجاری وصنعتی وفلاحتی وغیره؛ اعم ازاینکه طرف داخله باشد و یاخارج؛ باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد؛ به استثنای عهدنامه هائیکه استتار آنها صلاح دولت وملت باشد.»

ولی چون استتار قراردادها بموجب اصل ۲۴ مزبور بهانه صلاح دولت وملت نمیتوانسته است ابدی باشد؛ لذا اصل ۵۲ متمم قانون اساسی مشروطیت بشرح زیر تکلیف این قبیل قرارداد ها را روشن کرده است .

«اصل ۵۲- متمم قانون اساسی مشروطیت - عهدنامه هائیکه مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی مورخ چهاردهم ذیقعدہ یک هزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد؛ پس از رفع محظوره مینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه بمجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.»

همچنانکه قبلاً نیز اشاره شد؛ محمدرضا شاه پهلوی در آغاز سلطنت خود تا چندین سال نفوذی در کابینه های وقت و در تعیین سیاست و اداره امور کشور نداشت؛ و در اعطای مصونیت قضائی نامحدوده مستشاران آمریکائی؛ دارای دخالتی موثر و تعیین کننده نبوده است.

با تنظیم و تصویب کنوانسیون مربوط به روابط سیاسی بین دولتها؛ توسط سازمان ملل متحد دروین؛ که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (۲۹ فروردین ۱۳۴۰) به امضای نماینده ایران نیز رسیده بود؛ بهانه خوبی بدست شاه ودولت ایران افتاد که در جهت تعدیل مصونیت های اعطائی به مستشاران نظامی با مقامات سفارت آمریکا بگفتگو بپردازند.

شرح کوتاهی راجع به کنفرانس وین وماده واحده

کنفرانس وین برای روشن ساختن وضع خدمت ماموران دولتی در کشورهای دیگر تنظیم شده است و امتیازاتی که هردولت بموجب آن بماموران اعزامی از سوی سایر کشورها میدهد؛ متقابل میباشد. یعنی همان مزایا را عیناً در مورد ماموران اعزامی خود از سایر کشورها دریافت میدارد. بطور مثال هم اکنون دولت جمهوری اسلامی ایران با حدود ۸۰ کشور جهان روابط سیاسی دارد. باین معنی که در حال حاضر ایران در این ۸۰ کشور دارای سفارتخانه (نماینده کنسولی یا سیاسی، احتمالاً فرهنگی و اقتصادی) است و هزاران نفر ایرانی بعنوان دیپلمات ومأمور سیاسی (با گذرنامه سیاسی) و یا بعنوان کارمندان اداری وفنی (با گذرنامه خدمت) در سایر کشورها به خدمت اشتغال دارند و از مصونیتها ومزایای مندرج در کنوانسیون وین استفاده مینمایند؛ و متقابلاً به همان تعداد سفارتخانه از کشورهای بیگانه در تهران وجود دارد و هزاران نفر خارجی با استفاده از همان مزایا ومصونیتها مشغول خدمت میباشند.

حال اگر بتوان مزایا ومصونیت های اعطائی به «کارمندان اداری وفنی» را «کاپیتولاسیون» نام نهاد؛ در اینصورت باید گفت که مزایا ومصونیت های اعطائی به دیپلماتها ومأموران سیاسی ایران در ۸۰ کشور جهان؛ تمام این کشورها را بصورت مستعمره ایران درآورده است!! زیرا که مصونیتها ومزایای دیپلماتها ومأموران سیاسی ایران در سایر کشورها بمراتب بیش از «کارمندان اداری وفنی» است. معمولاً هریک از این سفارتخانه ها (جز در موارد استثنائی) توسط یک نفر با عنوان «سفیر» اداره میشود که نماینده رسمی دولت متبوع خود تلقی میگردد. کارکنان هر سفارتخانه که تابعیت دولت خود را دارند و تعدادشان گاهی به دهها وحتى به صدها نفر میرسد؛ مشمول مقررات مندرج در کنوانسیون وین میباشند. این کنوانسیون را نماینده ایران در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰) امضا کرده؛ و در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ مطابق با (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳) در مجلس شورای ملی مورد تصویب نهائی قرار گرفته و به دولت ابلاغ شده است.

بموجب این قرارداد ویا کنوانسیون مزبور؛ بطور کلی اعزام افرادی از سوی دولت متبوعشان بمدتی کوتاه و یا طولانی برای خدمت در کشور دیگر برای حفظ منافع وتوسعه روابط کشورشان در زمینه های سیاسی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ نظامی و از این قبیل؛ با کشور محل خدمت؛ «مأموریت» نامیده میشود.

در آن کنوانسیون؛ از «سفیر» بعنوان «رئیس مأموریت» نام برده شده وسایر «کارکنان مأموریت» بطور کلی به سه گروه تقسیم شده اند که عبارتند از: ۱- کارمندان سیاسی ۲- کارمندان اداری وفنی ۳- خدمه مأموریت

گروه اول؛ رئیس مأموریت یعنی سفیر نیز در زمره آنان است؛ دیپلمات شناخته میشوند و دارای گذرنامه سیاسی هستند که از مصونیت های سیاسی و امتیازات و مزایای قابل توجهی برخوردار میباشند. ولی اعضای گروه دوم (کارمندان اداری وفنی) است که مستشاران نظامی آمریکا همیشه در زمره آنان محسوب شده بودند.

اعضای گروه سوم (خدمه مأموریت) که غیر سیاسی بشمار میروند و گذرنامه خدمت در اختیار دارند؛ دارای امتیازات ومزایای کمتری هستند؛ که معمولاً به صورت متقابل تعیین میگردد. بطور مثال؛ در همان قانون ماده واحده جنرال برانگیز مورد بحث که (ذیلاً درج شده است) خواهیم دید؛ مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتها و معافیت های مربوط به «کارمندان اداری وفنی» برخوردار شده اند و در همان زمان

نیز یکنفر ماشین نویس که ازطرف دولت ایران در سفارت ایران در واشنگتن به خدمت اشتغال داشته است؛ خود به خود جزو «کارمندان اداری وفنی» محسوب میشده و عیناً بطور متقابل از همان مصونیتها و معافیتها برخوردار بوده است؛ و هر یک از این دونفر یعنی (مستشار نظامی آمریکا در ایران و ماشین نویس ایرانی در سفارت ایران در آمریکا) در صورت ارتکاب جنایت در کشور محل ماموریت خود؛ در همان کشور قابل بازداشت و محاکمه و مجازات بوده اند.

با این ترتیب هیچگونه امتیاز کاپیتولاسیونی نه از طرف دولت ایران به آمریکا؛ و نه از طرف دولت آمریکا به ایران داده نشده بود.

متن قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتها

و معافیتهای مندرج در کنوانسیون وین

ماده واحده زیر که ابتدا در تاریخ ۲۶ جولای ۱۹۶۴ (۳ مرداد ماه ۱۳۴۳) در مجلس سنا و سپس در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳) در مجلس شورای ملی تصویب گردیده و متعاقباً پس از توشیح پادشاه جهت اجرا به دولت ابلاغ شده بود؛ همان قانونی است که توسط مخالفان؛ به نام «کاپیتولاسیون» موسوم گردید و از آن ناجوانمردانه برای حمله به محمد رضا شاه پهلوی و مخالفت با وی مورد استفاده قرار گرفت:

«ماده واحده- به دولت اجازه داده میشود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران؛ که بموجب موافقتنامه های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی میباشند؛ از مصونیتها و معافیتهایی که شامل «کارمندان اداری وفنی» موضوع بند (و) ماده اول قرارداد وین که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰) به امضاء رسیده؛ برخوردار نماید.»

شرح ماده واحده مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳)

بطوریکه گفته شد و همانطور که در متن ماده واحده نیز به روشنی ملاحظه میشود؛ رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی آمریکا؛ فقط از مصونیتها و معافیتهای «کارمندان اداری وفنی» موضوع بند (و) ماده اول قرارداد وین برخوردار شده اند.

متن ماده اول و بند (و) قرارداد وین؛ که اصطلاحات مندرج در آنرا تعریف کرده است؛ بشرح زیر میباشد:

«ماده اول- در این قرارداد معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پائین تصریح شده است:
الف- اصطلاح (رئیس ماموریت) یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مامور انجام وظیفه در این سمت میشود.

ب - اصطلاح (اعضاء ماموریت) یعنی رئیس ماموریت و کارمندان ماموریت.

ج - اصطلاح (کارمندان ماموریت) یعنی (کارمندان سیاسی) (کارمندان اداری و فنی) و (خدمه ماموریت).

د - اصطلاح (مامور سیاسی) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلمات) میباشند.

هـ - اصطلاح (کارمندان سیاسی) یعنی رئیس ماموریت یا یکی از کارمندان سیاسی ماموریت.

و- اصطلاح (ماموران اداری وفنی) یعنی آن دسته از (کارمندان ماموریت) که به امور اداری وفنی ماموریت؛ اشتغال دارند.

ز- اصطلاح (خدمه) یعنی آن دسته از کارکنان ماموریت که به امور خانگی ماموریت اشتغال دارند.

ح - اصطلاح (خدمتکار شخصی) یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای ماموریت بوده؛ و مستخدم کشور فرستنده نمیشوند.

ط - اصطلاح (امکان ماموریت) یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد؛ برای انجام مقاصد ماموریت از جمله برای محل اقامت (رئیس ماموریت) مورد استفاده قرار میگیرد.»

میزان مزایا و مصونیتهای مربوط به کارمندان اداری وفنی

حال که از متن بند (و) ماده اول قرارداد وین و مشخصات «کارمندان اداری وفنی» که مستشاران نظامی آمریکا در ردیف آنان قرار گرفته اند؛ آگاهی یافتیم؛ باید ببینیم که این کارمندان بموجب قرار داد مزبور دارای چه معافیتها و مصونیتهایی میباشند.

تعیین میزان این معافیتها ومصونیتهای مربوط به «کارمندان اداری وفنی» درکنوانسیون وین به این نحو صورت گرفته است که دربند ۲ از ماده سی وهفتم تقریبا "تمام مزایا ومصونیتهای متعلق به «ماموران سیاسی» برای آنان نیزپیش بینی شده است:

بند ۲ از ماده سی وهفتم - پیشنهادبرقراری مزایا برای

کارمندان اداری وفنی.

«ماده سی وهفتم - کارمندان اداری وفنی ماموریت؛و همچنین بستگان آنهاکه اهل خانه آنهاستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده؛ ویامقیم دائم آنکشورنباشند ازمزایاومصونیتهای مندرج در مواد ۲۹تا۳۵ بهره مندخواهندبود. ولی مصونیت ازصلاحیت مقامات دولت پذیرنده درامورمدنی اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج ازوظایف آنها نخواهدشد.

اشخاص مذکورهمچنین ازمزایای مندرج دربندالف ماده۳۶درموارد اشیانی که برای منزل خود وارد میکنند؛ استفاده خواهندنمود. واما چون اعطای تمام امتیازات ومصونیتهای سیاسی به «کارمندان اداری وفنی» امری غیرمنطقی به نظر میرسیده است؛ لذا درحال حاضر اکثر کشورهابموجب بند یک از ماده۳۲کنوانسیون؛ که بشرح زیربه دولتهای فرستنده مامور؛ اختیارانصراف از آن مزایا ومصونیتها راداده است ؛ بطورمتقابل انصراف خودرا ازحق مصونیت قضائی درامورجزائی در مورد «کارمندان اداری وفنی» اعلام داشته اند. وسفارت آمریکا نیز بنمایندگی ازطرف دولت آنکشور؛همین انصراف را تصریحا" درمورد مستشاران نظامی امریکائی اعلام کرده بود.

ماده سی ودوم - دولت فرستنده میتواندانصراف خودرا از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصیکه برطبق ماده۳۷ از مصونیت برخوردارمیشوند؛اعلام نماید.

متن اعلام انصراف سفارت آمریکا از مصونیت قضائی در مورد

جنايات ارتكابی توسط مستشاران نظامی آمریکا

متعاقب تصویب ماده واحده قانون اعطای مصونیتها ومزایای مربوط به «کارمندان اداری وفنی» مندرج دربند(و) ماده اول کنوانسیون وین به مستشاران نظامی آمریکا؛ وزارت امورخارجه ایران در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذرماه ۱۳۴۳) طی دوفقره یادداشت به شماره های ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ مراتب را باطلاع سفارت آمریکا درتهران رسانده است.

سفارت آمریکادرپاسخ این دویادداشت؛ طی نامه ایکه عینا" بشرح زیردرج میگردد؛ صریحا" و رسما" اعلام داشته است که:

«مقامات دولت آمریکا ازهرنوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی وصرف نظر از مصونیت سیاسی د رموارد دارای اهمیت ویژه باعلاقمندی کامل استقبال خواهندنمود.»

متن نامه سفارت آمریکا: شماره ۲۸۲ تهران ۹ دسامبر ۱۹۶۴

سفارت آمریکادرتهران؛ تشکرات وارادت صمیمانه خودرا تقدیم وزارت امورخارجه پادشاهی ایران مینماید واحتراما" دریافت یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ وشماره ۹۷۶۲؛ هر دو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ آن وزارتخانه؛ ودرپاسخ به یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ این سفارتخانه راباطلاع میرساند وتانید مینماید که یادداشتهای مذکور در فوق آن وزارتخانه درعین حال ازسوی ما؛ درحکم پاسخی مطلوب وپذیرفتنی به یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ میلادی این سفارتخانه محسوب میشود.

درخصوص این تبادل یادداشتهاهم آهنگ بااو براساس شرایط مندرج در ماده ۳۲ «پیمان نامه وین»؛ این سفارتخانه خوشوقت است باطلاع برساند که مقامات دولت آمریکا ازهرنوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی وصرف نظر از مصونیت سیاسی درموارد دارای اهمیت ویژه از نظر مقامات دولت پادشاهی ایران؛ باعلاقمندی کامل استقبال خواهندنمود؛ وتانید میشود که موارد دارای اهمیت ویژه در این خصوص؛ موارد مربوط به جنایات مشخص وواقعا" سزاوار سرزنش خواهندبود ولا غیر.

سفارت آمریکا درتهران از فرصت استفاده نموده؛ یکبار دیگر عالیت ترین مراتب احترامات وارادتهای خود را تقدیم آن وزارتخانه مینماید.

سفارت آمریکا درتهران»

(اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی جلد دوم صفحه ۳۰۸)

مخالفتان شاه فقید ایران و مفسران ناجوانمردانه فقط بند (۲) از ماده (۳۷) درمورد اعطای تمام مزایا و مصونیت‌های پیشنهادی درمورد «کارمندان اداری و فنی» را بعنوان مزایای قطعی آنان ذکر کرده اند؛ اما از اینکه دولتهای آمریکا و ایران با استناد؛ اختیار حاصله از (بند ۱) از ماده (۳۲)؛ عملاً و بطور متقابل از اعطای این مزایا به «کارمندان اداری و فنی» یکدیگر خودداری کرده اند؛ اصلاً هیچ سخنی پمیان نیاورده اند. این مغرضان و دشمنان ایران و ایرانی؛ حتی یادداشت رسمی سفارت آمریکاراکه درمورد همان مستشاران آمریکائی؛ صادر شده که طی آن از مصونیت‌های قضائی درمورد اقدامات جنائی آنان صرف نظر شده است؛ ندیده گرفته اند.

همانطوریکه درابتدا گفته شد درروز ۴ آبانماه ۱۳۴۳؛ روز تولد زیدادشاه فقید ایران که (تصادفاً) زدرآن سال با ۲۰ جمادی الثانی) یعنی روز تولد حضرت فاطمه و زروح تولد مورد ادعای بعدی روح الله خمینی بوده است؛ سخنرانی بسیارشده‌ی درقم؛ در مخالفت با ماده واحد مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهرماه ۱۳۴۳)؛ راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکادر ایران ایراد کرد؛ و با این بهانه که شاه و دولت؛ باتصویب قانون مزبور خیانتی عظیم مرتکب شده و مقررات «کاپیتولاسیون» را در ایران احیاء کرده اند؛ به تحریک مردم پرداخت. سخنرانی طولانی روح الله خمینی با این حملات شروع شده بود:

«انا لله وانا اليه راجعون- من تاثرات خودم را نمیتوانم انکار کنم. قلب من در فشار است. این چند روز که مسائل ایران را شنیدم؛ خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است. با تاثرات قلبی روز شماری میکنم که چه وقت مرگ من پیش میاید. ایران دیگر عید ندارد عید ایران را عزاکردند. عزاکردند و چراغانی کردند. عزاکردند و دسته جمعی رقصیدند. پا یکوبی کردند...»

علاوه بر این سخنرانی طولانی که در نوار کاست ضبط؛ و به تعداد زیاد از طریق (مومنین و مومنان!) در سر تا سر ایران پخش گردید؛ و اعلامیه مفصلی نیز با امضای روح الله خمینی بهمان طریق در همه جا انتشار یافت که با این جملات آغاز شده است:

» بسم الله الرحمن الرحيم
لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً" آیا ملت ایران میداند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ میداند بدون اطلاع ملت و بطور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود. سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکاداد. بر جمیع مفاخر قلم سیاه کشید اسلامی و ملی ما.»

روح الله خمینی ۹ روز بعد از این سخنرانی؛ در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۶۴ (۱۳ آبانماه ۱۳۴۳) بازداشت؛ و متعاقباً به ترکیه تبعید گردید.

از این تاریخ به بعد تمام افرادی که با پادشاه فقید ایران مخالف بودند؛ دانسته؛ و ناجوانمردانه و کثیری ندانسته قانون مربوط به آنرا؛ به غلط «کاپیتولاسیون» نام نهاده و همواره از آن بعنوان یکی از خیانت‌های بزرگ شاه فقید یاد کرده اند.

بخشی از: کتاب گفته نشده هادرباره خمینی؛ نگارش مهدی شمشی
تهیه از: سازمان پیوند ایرانیان.